

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیوادوال کابلی

۲ جنوری ۲۰۱۰

رقم زدن خاطرات جمعی خدمت بزرگی است به ملتی که اکثریت آن از سواد محروم اند

دو روز پیش مسرت خود را بعد از خواندن خاطرات محترم داکتر هدایت الله به صورت ضمنی به ایشان ابراز داشتم. دیروز آقای محترم عبدالمتین «رحمانی» با نگارش خاطرات زندان و شکنجه زمان حکمروائی فاشیستی «خلق» - پرچم ، سهم ارزشمندی را در همان راستا اداء نمودند که مطمئناً مایه دلگرمی و خوشنودی هر فرد وطنپرست و عدالت پسند ملت ما می شود.

محترم «رحمانی» در آغاز نوشته شان می فرمایند:

« هر چند هستند عده ای از هم زبانان ما که با خاطره نویسی چندان موافق نیستند و آنرا فاقد ارزش علمی و تاریخی می دانند ، ولی من آنطور فکر نمی کنم...» و خوشبختانه که متعاقب آن گفته ، از حق مسلم خاطره نویسی خود دفاع نموده و هموطنان تشنه همنوائی شریفانه ضد ظلم و ضد وطنفروشی را از آن گزارشات تاریخی و نهایت پرارزش مستفید ساختند.

به نظر من ، آن «همزبانان»ی که مانع درج و پخش خاطرات (ضرورت به تأکید نیست که منظور خاطرات جمعی و در سطح درد های ملی است نه خاطرات محرمانه زندگی کاملاً خصوصی) می شوند - که حتماً هموطنان ما هستند نه همزبانان ایرانی یا تاجکی و یا هم جای دیگر - ، یا «چیزیکی» برای پنهان کردن دارند، یا هم به دلیل پائین بودن سطح دانش و دید محدود ، دچار کوته نگری اند ، و یا هم نوعی «عقده حقارت» موجب می شود که نتنها به خاطرات خود ارزشی قایل نشوند (در صورتیکه قربانی ظلم و تعدی بوده باشند) بلکه پرهیز از آنرا به عنوان طرز فکر درست و شیوه برخورد معقول بر دیگران هم تحمیل نمایند.

آن «همزبانان» باید بدانند که «بیوگرافی» (زندگینامه یک فرد ، نوشته شده توسط یک محقق ، یک خبرنگار و یا هم شخص دیگر) و «اوتوبیوگرافی» (زندگینامه فرد که توسط خود وی نوشته شده) ، «ژانغ» ادبی (شیوه نگارش در ادبیات) خیلی مشهور بوده و از اهمیت بس بزرگی برخوردار است. کتابخانه های پوهنتون ها و شهرهای بزرگ

در تمام کشورهای غربی و هم در کشورهای پیشرفته قاره های دیگر، بخشی را به «بیوگرافی» و «اوتوبیوگرافی» تخصیص داده اند.

در کشورهای ویرانه و در بین ملت شهید داده ما، نگارش «اوتوبیوگرافی» (و هم بیوگرافی در صورتیکه اسناد و مدارک دست اول موجود بوده و عفت و پاکدامنی معنوی و ملی شخص نگارنده ثابت باشد)، از بزرگترین اهمیت برخوردار است که حتی مبالغه نخواهد بود اگر بگویم - در مقطع کنونی تاریخ کشور - می توان آنرا دارای اهمیت حیاتی در سطح ملی خواند چه نسل شاهد وقایع خونین و کشتارهای بیرحمانه و حیوانی به دست زورمندان غیرمذهبی و مذهبی، تدریجاً و به صورت طبیعی، متأسفانه از صحنه بیرون رفته و بازندگی وداع می نمایند؛ و نسل «بربادرفته» در غربت، و یاهم نسل جوان داخل کشور که فقط مظالم حاضر به دست امریکا و متحدان را شاهد اند، در برابر سوالات مهم و تعیین کننده در زندگی اجتماعی شان لاجواب و بلا تکلیف خواهند ماند. و جای شک نیست - با هزاران تأسف و حرمان - که بیسوادی و کم سوادی، هم این معضله را به نفع هر آنچه و طنفروش، خاین، جانی و مستبد است، تشدید نموده، برای آنها معافیت دایمی خلق خواهد نمود که همدستی فعلی «خلق» - پرچمی ها، جنگ سالاران احزاب اسلامی، ملیشه دوستی، عده ای طالب بچه و روشنفکران خود فروخته معلوم الحال با دم و دستگاه استعمار جهانخوار امریکا و متحدین، شمه ای از همان اوضاع و فضائی است که در صورت عدم تحرکات زنجیر گسلانه هموطنان رنج دیده و حامل گزارشات نا مدون، به تحریف کامل تاریخ معاصر کشور خواهد انجامید.

و این را هم نباید فراموش نمایم که تمامی شهدای مبارزه علیه روس و نوکران بیمقدار «خلق» - پرچمی - خادی آنها (به اضافه شهدای کشتار امریکا و متحدان)، با آرمان سترگی خون های پاک خود را نثار نجات میهن و هموطنان نمودند؛ با امید کامل که همسنگران جان به سلامت برده، از آنها امانتدارانه یاد خواهند نمود و نخواهند گذاشت که جلادان و قاتلان شان، با انواع مکروفریب، خاطرات درخشان جانبازی های قهرمانانه و دفاع شان از آرمان والای ملی و آزادیخواهانه را جبراً به فراموشی کشانند. این تذکر شامل همه شهدای خونین کفن ملت، از شهدای نامدار گرفته تا قهرمانان کمتر مشهور و قهرمانان کاملاً گمنام را در بر می گیرد که همه و همه به عین شکل، یعنی با گذشتن از سر و دل کردن از اعضای خانواده - والدین، همسر و فرزندان - برای عین آرمان بزرگ آزادی، مرگ پرافتخار را با متانت و پایمردی، برخفت بردگی و مزدوری اجانب شرافتمندانه رجحان دادند. یاد همه آن بزرگمردان، زنان قهرمان و کودکان قهرمان، زنده و ماندگار باد!

پس دست به قلم بردن برای درج خاطرات ناگوار زمان استبداد (هر یکی از دوره های فاشیستی اضافه از سه دهه گذشته تا امروز) نه تنها ارزش تنویری بس بزرگی دارد بلکه در عین حال، ادای دین بزرگی در برابر شهدای گلگون کفن راه آزادی میهن در زمان رژیم های بیشتر و شهدای معصوم و گمنام کشتار وحشیانه امروزی غربی ها می باشد.

درینجا ضرور می دانم که از نوشته بسیار زیبا، هدفمند و نهایت پر ارزش آقای محترم خالقداد «پغمانی» هم یادآور شوم که با چه طنز دلپسند - با وجود تواضع و شکسته نفسی فراوان - «حق» غربی ها را به «کف دست» شان به عنوان «تحفه» سال نو شان گذاشته اند که واقعاً باعث افتخار است و امید که روان هموطنان درد دیده از غربی های مغرض و استعمارگران بی آرم، باز هم با نوشته های بیشتر محترم «پغمانی» نوازش ببیند.

و از آنجائیکه امتنان من به عنوان علاقمند پورتال با شکوه «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» و یک هموطن تشنه آرمان مشترک ملی و آزادیخواهانه، از هموطنان با بصیرت، شریف و وطنپرست، با کلمات نارسای خودم برایم

قناعت بخش نیست ، از کلام شاعر و الا مقامی که از سالها به اینسو متأسفانه به شناخت نام شان افتخار نیافته ام ، مددجسته و پارچه شعر ملی گرانبهای شان را پیشکش هموطنان آزاده می نمایم.
باعرض حرمت و آرزوی گرم شدن جبهه معنوی و قلمی به ضد استعمارگران و نوکران زیون شان!

ای مادروطن پسرانت نمرده اند!

ای مادروطن پسرانت نمرده اند
آسوده باش گول اجانب نخورده اند

مار ابسی به دامن خود پرورانده ای
پوشانده ای و نعمت نیکو خورانده ای
از شیرخوارگی به جوانی رسانده ای
اینقدر هم تو بیگس و تنها نمانده ای

ای مادروطن پسرانت نمرده اند
آسوده باش گول اجانب نخورده اند

البته حق مادری ات را ادا کنیم
یعنی که جان و مال به راهت فداء کنیم
در پایه تو کاخ عدالت بنا کنیم
دست ترا ز بند اجانب رها کنیم

ای مادروطن پسرانت نمرده اند
آسوده باش گول اجانب نخورده اند

هر گوشه تو بیشه شیران بود هنوز
هر کوچه تو جای دلیران بود هنوز
هر کودک تو معلم پیران بود هنوز
امید ما به کعبه افغان بود هنوز

ای مادروطن پسرانت نمرده اند
آسوده باش گول اجانب نخورده اند!